

مجبوریت های محترم ح. کرزی و تحفه ۸ مارچ وی، قسمت دوم

و اما در مورد استعمال کلمات «مادرسالاری، پدرسالاری، تکامل جوامع بشری، نقش برجسته زن در طول تاریخ، وزن که انسان زاده اوست». باید گفت تاریخ و آنچه گذار از مادر سالاری به پدرسالاری است، به بحث امروزی ما کمک نمی کند بلکه مشکل افزا خواهد بود.

بلی از دامن مادر انبیاء اولغزم متولد شده و از دامن مادر پیامبر بزرگوار اسلام به معراج رسیده. جنت تحت قدم های مادران و والدین است و مقام والای زن در جایگاه افضل و خوب خویش در اسلام وجود دارد. نباید تساوی مرد و زن را با تساوی رسالت مردم وزن مغالطه کرد. زن در خانواده و جامعه از خود رسالت دارد و مرد از خود. این دو رسالت باهم در موارد معین در مطابقت نیست. مانمی توانیم زن را بنابر تساوی حقوق به کار های شاقه که توان اجرای آنرا مردان دارند، مجبور بسازیم.

زن مادر است، زن همسراست، زن خواهر است زن نعمت است. عدم احترام و عدم نگه داری مقام والای زن بی حرمتی به مادر و خواهر و همسر است.

بلی باید به تفکیک جنسی زن و مرد و توانمندی جسمی زن و مرد مانند یک واقعیت خارج از خواست ما اعتراف باید کرد. آن زنیکه مرد صفت باشد و آن مرد که زن صفت باشد مریض است. زن باید زن خوب و عادل باشد و مرد همچنان یک مرد باید مرد خوب و عادل باشد. تلاش برای عدم موجودیت تفاوت بین زن و مرد مناسب نیست.

تأکید و توجیه جناب حامد کرزی مبنی اینکه از حقوق زنان باید در روشنی دین مبین اسلام مندرج در اعلامیه روز جمعه ۳ مارچ سالجاری شورای علماء افغانستان برای حمایت از حقوق زنان، توضیح گردیده در مبدا کدام تخلف نیست. اما باید و باید در برابر تشویش های که متفکرین به آن تذکرات داشتند و زن که قربانی عمده حوادث ناگوار ۳۵ سال گذشته است و اینکه همین زن است که شوهر، پسر، دختر و شریین خویش را از دست داده و باید با حوادث بی رحم زمان دست و پنجه نرم کند مسایل اند که باید و باید درین ارتباط به نحوی حل گردد.

بلی کسب نفقه فرض است. خانواده که شوهر، پدر فامیل را از دست داده و این تدبیر و فتوی شورای علماء مانع زندگی نورمال خانواده می گردد برایش باید راه حل بهتر و عادلانه یافت. برآمدن از خانه برای کسب رزق در محیط اسلامی با سفر به مفهوم رفتن دورتر از ۵۰ میل، دوفهم جداگانه اند که باید در آن دقت گردد. ضرورت جدی است که در جوامع مشابه اسلامی که تجارب همگون وجود دارند استفاده شده و دیده شود چه تدابیر برای حل این مشکل روی دست گرفته شده و حالات معین چه راه حل عملی میگردد. مثلاً در عربستان سعودی حین سفر خانم خارجی بدون همسفر توسط پولیس اناث سعودی همراه شده به محل مناسب همراهی میگردد.

جدا کردن دختران و پسران در محل تحصیل دهم معین چه مشکلی دارد؟ این خواست و مطالبه در عمر معین یک خواست، مطالبه و اصل اسلامی است. حتی در کشورهای دیگر جهان منجمله انگلستان هم بعضی مکاتب وجود دارند که خاص برای پسران و خاص برای دختران اند و متخصصین میگویند که نتایج حاصله آموزشی در همچو مکاتب جدا بهتر اند.

تذکر و استفاده جملات و کلمات که فیصله ۳ مارچ شورای علمای افغانستان را «فیصله شرم آور و جنایت کارانه شورای علماء افغانستان» بدانند به فکر و فهم من افراط و غیر مجاز میباشد.

بلی این فیصله نیم بند شورای علماء افغانستان یک دیدگاه شرعی وطن ما است و مسلمانان افغانستان به آن پابند هستند.

باز کردن بحث بالای:

مسایل قانون احوال شخصیه اهل تشیع ۲۰۰۹، عصر ۱۴۰۰ سال قبل و شرایط عربستان سعودی و عصر امروز، تساوی شهادت دوزن و یک مرد، و اعتماد کمتر به یک زن در برابر یک مرد، اینکه شورای علماء چرا در امور سیاسی و اجتماعی به سطح دولت دخالت میکند، سیکولاریزم، تحفه های زرین دیموکراسی جوامع مختلف سیکولار و پایی و امریکا و بحث را بس طولانی میسازد. اما کوتاه باید گفت که یک آرزو و خواست است و یکی هم واقعیت خارج از ذهن ما. میگویند اگر آرزو ها اسپ میبود تمام سوالگران و ملنگان جهان اسپ سواران میبودند.

در یک جمله باید گفت که نظام سیکولار از فهم اسلامی کلمه خارج میشود و دین اسلام سیکولاریزم را نمی شناسد. نظام سیکولار برای جامعه که در آن دین مسیحیت وجود دارد و یا نظام سیاسی امریکا حتی ترکیه با ترکیب دینی آن کاملاً موجه و قابل فهم است. اما نظام سیکولار برای جامعه که بیش از ۹۹ فیصد مسلمان است یک خواب است و خیال. در برخورد اسلامی به مسایل جامعه به تعبیر و معنای طالبانی کردن نظام و جامعه در حقیقت خدمت برای جنبش طالب است. این نوع برخورد و فهم تأثیر معکوس (کنترپروودکتیف) دارد. به یقین گفته میتوانم آنچه حرکت طالب در سالهای نود قرن گذشته تحت نام تطبیق قوانین جزای اسلامی و حکومت داری اسلامی در افغانستان اجرا کرد و نظام را رهبری میکردند در مورد زیاد قبل از اینکه اسلامی باشد سیاسی بوده و در مورد زیاد تخلف از عدالت اسلامی بود و هست. نباید مخالفت با حرکت طالب و عمل کرد طالب را در سالهای ۹۰ با مخالفت به اسلام کشاند. این خطارا نباید مرتکب شد. این کار و این برخورد آب به آسیاب حرکت طالب ریختن است. زیان دارد و تأثیرات بس خطرناک در پی داشته میتواند و دارد.

موفقیت و عدم موفقیت جامعه جهانی در افغانستان در چه خلاصه میشود؟ حاکمیت مردم در خدمت ارزشهای مردم و اعتقاداتشان گزینه عملی دیگر نه دارد. لطفاً بعداً میلیاردها پول مصرف شده و هزاران قربانی انسانی بخاطر همین عدم فهم دقیق مسایل به حومه های حتی شهر های بزرگ به شمول کابل مراجعه کنید که بعد از تاریکی ها شب کی تسلط و حاکمیت دارد؟

حاکمیت که آقای حامد کرزی نتوانست از اتباع خویش دفاع کند، قانون مطابق به ضرورت های جامعه تصویب و تطبیق کند، مانع تصفیه های قومی، سمتی ولسانی شود، مداخله های بیشرمانه پاکستان را مانع شود، نتوانست مانع سیاست کاذبانه ایران که هم در میخ میزند و هم در نال - گردد.

اداره آقای حامد کرزی با سیاست غلط کردی که به صورت عمده افراد به اساس روابط شخصی، استخباراتی، سمتی، جیبی و فامیلی نصب گردیده اند وضع را به این حالت رسانید.

سیاست اقتصادی غیر شفاف و لجام گسیخته بازار آزاد که در جهان نورمال قابل قبول نیست و صد سال قبل به تاریخ سپرده شده حاکم میباشد، روابط مافیایی بر اقتصاد مسلط است، ظرفیت های رقابت آزاد وجود ندارد، آزادی مطبوعات صرف در همان محدوده تمرکز میکند که دولت خواهان آن است و چي نتایج غیر از این حالت ناگوار توقع کرده میتوانید.

بلی وضع به این منوال نامناسب است و عواقب آنرا خراب میکنیم. وضع و نهایت این کشتی نشینان تیتانیک به صورت واضح معلوم است. بلی درین شرایط:

اگر حقایق را بر بلا سازیم و حق مینویسیم و حق میگویم به زهر پراگنی متهم هستیم.

اگر وضع را چنانچه که هست توضیح میکنیم، بسیار ساده پایه های سرخ و سبز زده می شویم.

اگر حق میگویم با دهها تهمت زنی مواجه شده با شبکه های قوی بدنام سازی و فتنه گری مواجه میشویم.

اگر حق میگویم گوش شنیدن و حوصله خواندن آن کم است و یا آنها تیکه درک میکنند صلاحیت و امکانات ندارند.

اگر ساکت بمانیم لعنت شده الهی هستیم (الساکت عن الحق ملعون).

مسلم اینکه اکثریت قاطع ملت که ساکنانه و مشکوک و در مورد زیاد مأیوسانه به هر طرف نگاه میکنند، به یک صدای ناجی و خیر خواه ضرورت دارند تا دست این ملت را گرفته و به منزل مقصود سوق دهند.

(مراد منزل مقصود چه اوج عیش چون مردم - فلک فریاد میدارد که بر بندید محمل های).

بلی حاکمیت امروزی جناب حامد کرزی مجبوریتهای دارد و از وی جوانب مختلف تقاضای مختلف دارد.

بلی این حاکمیت چنانچه معلوم میشود درین آواخر تلاش دارد کاری را که در بیش از ده سال کرده نتوانست و یا نه کرده، حالاً در دو سال انجام دهد.

بلی این حاکمیت امکانات طلایی عصر را با بی کفایتی ها، ناتوانی ها، معافیت ها و تخلفات از قانون ضایع کرد.

درین راستا مطالبات جوانب مختلف از حاکمیت، مجبوریتهای شان قابل درک اما گناه واپس به خودشان راجع میگردد، که ملت و جامعه جهانی قربانی آنرا میدهند.

پایان